

«**ایران مستقل**» **متکی بر اراده مردم**

روزنامه صبح‌نو در سر مقاله دیروز خود نوشت: فاجعه تلخ شهادت رئیس‌جمهور خدمتگزار و همراهانش برگ دیگری از روزهای سخت تاریخ انقلاب اسلامی را ورق زد و مردم شریف ایران باز هم در مراسم یادبود و تشییع باشکوه پیکر شهدا همراهی خود را با اسلام و انقلاب به تصویر کشیدند.

باز تاب حضور باشکوه مردم وفادار به انقلاب اسلامی در این تشییع تاریخی باید در انتخابات پیش رو متبلور شود تا دولت آتی همچون همه روزهای تاریخ انقلاب متکی بر حمایت و اراده ملت در جایگاه قانونی خودش قرار گیرد. تجربه سال‌های اخیر با وجود سختی‌ها و مشکلات به خوبی نشان داد نسخه وابستگی، معامله و توافق با غرب به هر قیمتی منسوخ و محکوم به شکست است. در سوی مقابل تنها دولت و مجلسی موفق به دفاع از حقوق مردم و عبور از سختی‌ها و مشکلات خواهد شد که با تکیه بر آرای مردم و حمایت همه‌جانبه مردم بر سر کار آمده باشد. نویسنده اضافه کرده است: در شرایطی که به نظر می‌رسد مطالبه و دغدغه اصلی جامعه حل موضوعات و مسائل مالی و معیشتی است، در راستای ادامه مسیر حفظ استقلال کشور و استفاده از ظرفیت‌های داخلی در جهت عبور از چالش‌ها و مشکلات، مشارکت حداکثری و فراگیر مردم در انتخابات پیش رو تنها راه شکل‌گیری دولتی توانمند و مؤثر در آینده ایران اسلامی به شمار می‌رود. انتخابات پیش رو می‌تواند روزنه تازه‌ای به سوی حل مشکلات مردم و عبور از مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور بگشاید تا دولتی قدرتمند برخاسته از اراده و متکی بر آرای مردم از حقوق و منافع کشور در برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های غربی دفاع کند.

**امیر دیپلماسی**

روزنامه همشهری در شماره دیروز خود نوشت: روحیات و رویکرد شهید امیر عبداللّه‌ایان بسیار شبیهه روحیات شهید سلیمانی بود و در زمان حیات این دو همسویی و همراهی بین آنها تا حد زیادی برقرار بود. گرچه این شهیدان در دو حوزه مختلف مشغول فعالیت و کار بودند، اما شهید امیر عبداللّه‌ایان به خوبی در یافته بود که هر چه رویکردش به «میدانی» که حاج‌قاسم و همکاران او معماری کرده بودند، نزدیک‌تر باشد، هم منافع انقلاب اسلامی بیشتتر تأمین خواهد شد و هم منافع محور مقاومت. از سوی دیگر، در دوره‌های قبل از شهید امیر عبداللّه‌ایان ما با شکاف جدی نسبت به شرقی‌گرایی مواجه بودیم و توجه بیشتر دولتمردان به سمت کشورهای مغرب‌زمین بود، حتی در این راستا بعضاً جملات قصاری از آنان صادر می‌شد مبنی بر اینکه باید با کدخدا (امریکا) بست و دم آن را برای پیشبرد برنامه‌های کشور دید، اما شهید امیر عبداللّه‌ایان چنین رویکردی نداشت و معتقد بود میدان و دیپلماسی باید همسو و در وضعیت توازن قرار گیرد.
در دوره شکست‌های دیپلماتیکی که در دوره‌های قبلی از سر گذراندیم، شکست چنین توجیهی می‌شد که مقصر اصلی نه دستگاه سیاست خارجی، بلکه میدان مقاومت است که مانع تبلور و ثمردهی پیروزی‌های دستگاه دیپلماسی شده است، این در حالی بود که شهید امیر عبداللّه‌ایان معتقد بود هر چه میدان قوی‌تر باشد، بیشتر به نفع عرصه دیپلماسی است و در پای مین مذاکره به نفع ماست. این موضوعی بود که حتی شهید رئیسی هم بر آن تأکید داشتند و ما شاهد بودیم که در دوره سه‌ساله دولت سیزدهم فاصله میدان و دیپلماسی تقریباً به صفر رسیده بود. شهید امیر عبداللّه‌ایان در به‌حداقل رساندن این فاصله تمام کادوت و هوشمندی خود را به کار گرفت و توانست در آن موفق باشد.

## احیای راز خون

روزنامه ایران در یادداشتی نوشت: شهادت رئیس‌جمهور مردمی، جهادی و کم‌نظیر تاریخ خنوبین انقلاب اسلامی، مصیبتی جزبران‌ناپذیر است که تسکین نخواهد یافت، اما بار دیگر آذهان بیدار و افکار آگاه مردم ایران اسلامی را به تأمل و تفکر درباره «راز خون» واداشت و به همه ما یادآوری کرد که خون شهید چگونه دوام اسلام را تضمین می‌کند. نویسنده در توصیف منظومه فکری و فرهنگی رئیس‌جمهور شهید نوشته است: شهید رئیسی، شخصیتی در امتداد منظومه تمدنی امام (رضاع) بود و نه تنها توفیق خدمت به مثابه خادم‌الرضا را یافت، بلکه تفکرش با فرهنگ رضوی نیز درآمیخته شد و در این آمیختگی، به توفیقی بزرگ‌تر دست یافت و آن «نظری» با «عمل» است.

او به سبب همین تفض‌ل الهی توانست «آرمان رضوی» در حوزه فرهنگ را در عرصه سیاست‌گذاری و اجرا از آسمان به زمین بیاورد و به عالی‌ترین مفاهیم فرهنگی، صورتی عینی بخشد. رئیس‌جمهور شهید بر این باور بود که با آغاز قرن سوم که امام (رضاع) از مدینه به مرو و خراسان بزرگ هجرت کردند، تحول فرهنگی و تمدنی شکل گرفت که منشأ از خشن‌شای عظیم دانشی در ایران شد. شهید آیت‌الله رئیسی «تفکر فرهنگی دولت مردمی» را بر اساس چنین فهم و رویکردی پیرریزی کرد و توانست نظریه فرهنگی انقلاب اسلامی را با تکیه بر فلسفه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای بسط دهد و گشایش‌های تازه‌ای ایجاد کند. به این ترتیب او توانست دو گانه‌های کاذب مانند «ایرانیّت» و «اسلامیت» را طی مدتی کوتاه به یگانه‌های وحدت‌بخش در عرصه فرهنگ عمومی تبدیل سازد و همگرایی جدیدی میان ایران و اسلامیات پدید آورد.

## مؤمن به شعارهای انقلاب

روزنامه جام‌جم در یادداشتی با اشاره به این سخن رهبر معظم انقلاب مبنی بر اینکه شهید رئیسی مظهر شعارهای انقلاب بود، نوشت: آقای رئیسی شعارها و آرمان‌های انقلاب را با تمام وجود باور داشت که آموزه‌های امام‌برای ایران اسلامی نجات‌بخش است و همین شعارها بود که ملت ما را از یزید بوغ‌استبداد، دیکتاتوری و استعمار بیگانه‌ر‌هایی بخشید. پایبندی شهید رئیسی به این آرمان‌ها بسیار جدی بود و از عمق جان او برمی‌خاست.

علت اینکه مردم به او علاقه‌مند شدند، ناشی از صداقت، مردمداری، اخلاص و خستگی‌ناپذیری آقای رئیسی بود. همه این خصوصیات و ویژگی‌های ناشی از ایمان به خدا، ایمان به مقدسات، ایمان به نظام جمهوری اسلامی و ایمان به امام و رهبری و دستاوردهای انقلاب بوده است. این ایمان در دل آقای رئیسی بود و در رفتار او ظهور و بروز داشت. او در عین اخلاص و خلوص نیتی که برای انجام کار داشت، مورد طعن و کنایه بدخواهان قرار می‌گرفت. با این وصف، رویکرد او نسبت به همه این توهین‌ها سکوت بود. چنین رفتاری را ما درباره شهید آیت‌الله بهشتی هم شاهد بودیم. او در زمان حیاتش مورد انواع و اقسام اهانت‌ها و توهین‌ها قرار گرفت. آنقدر شهید بهشتی را مورد توهین‌ها و اهانت و تکه‌بری قرار دادند که شخصیت او را در آذهان و افکار به شدت پایین آورده بودند. معروف بود که اول شخصیت را ترویر کردند و بعد شخص را. شاهد بودم که شهید بهشتی در یکی از مراکز دانشگاهی حضور یافت و در همان لحظه ورود برخی دانشجویان شعارهای توهین‌آمیزی علیه او سردادند. یکی دوستان به ایشان توصیه می‌کردند که از خود دفاع و کنده‌ام‌او پاسخ می‌داد که خدا از من دفاع می‌کند. شهید رئیسی هم از آنجا که شاگرد آیت‌الله بهشتی بود، ایشان را الگویی زندگی خود قرار داد و در پی آن بود تا همان رویه را ادامه دهد.

# چون

تأسیس

علی‌سعیدی‌شاهرودی

# از بهشتی تا رئیسی

# شباهت‌ها و عبرت‌ها

**مدتی قبل در این اندیشه بودم که رئیس‌جمهور کشورمان آقای دکتر رئیسی را که حالا «شهیددکتر رئیسی» است با کدام یک از رؤسای جمهوری می‌توان مقایسه کرد تا اینکه در سال قبل(۱۴۰۲) در شهر یور سالگرد شهادت شهید رجایی و باهنر به یکی از استان‌های شمالی دعوت شدم و دعوت‌کننده گفت: شما خارج از دولت هستید، خواستم ارزیابی خود را از شخصی آقای رئیسی بیان کنید. جرقه‌ای به ذهنم رسید که شباهت‌های زیادی بین آقای رئیسی و شهید رجایی وجود دارد. مصمم شدم ویژگی‌های مشترک او در رئیس‌جمهور را با یکدیگر مقایسه کنم، بنابراین قلم را بر داشتم و بیش از ۱۰مورد ویژگی‌های مشترک دکتر رئیسی را با شهید رجایی یادداشت کردم، اما از سوی دیگر دیدم بین دو دوره تفاوت‌ها و متغیرهایی هم هست که بدون توجه به متغیرها نمی‌توان به شخصیت دو رئیس‌جمهور دست یافت، بنابراین بیش از ۱۰مورد تفاوت و متغیرهای عصر شهید رجایی با عصر آقای رئیسی را قلم زدم و در آن حوا دلایل و متغیرهای استقبال مخاطبان قرار گرفت، اما اکنون که با شهید رئیسی مواجه هستیم، ضمن قبول نقاط مشترک ایشان با شهید رجایی، با توجه به حوادث قبل و بعد از شهادت ایشان به ویژه مظلومیت شهید آیت‌الله دکتر رئیسی و حضور جمع کثیری در تشییع ایشان و عنذرخواهی و طلب مغفرت از خداوند متعال. به‌نظرم رسید بهتر است شهید آیت‌الله دکتر رئیسی را با شهید آیت‌الله دکتر بهشتی مقایسه کنم، بنابراین با شناخت دقیقی که از هر دو بزرگوار دارم، به مقایسه این دو اسطوره صبر، مقاومت و مظلومیت می‌پردازم و در ضمن برای روشن‌شدن افکار دلدادگان دو شهید بزرگوار به برخی عبرت‌ها هم اشاره می‌کنم.**

**● ویژگی‌های مشترک شهید دکتر رئیسی با شهید دکتر بهشتی**
**● صرف‌نظر از سیادت، شهادت، حوزوی و دانشگاهی و فقه و فقاहत، ویژگی‌های مشترکی بین این دو شهید مشاهده می‌شود که به برخی موارد اشاره می‌شود:**

شهیدامیر عبدالمهدی

شهیدامیر عبداللّه‌ایان

کنیم و این از موهنی سخت‌برای اثبات ولایتمداری

### مردمی‌بودن

از ویژگی‌های برجسته شهید بهشتی و شهید رئیسی مردمی‌بودن است. آنها با مردم، هم‌برای مردم و در خدمت مردم بودند.

دکتر بهشتی در عین اینکه معتقد به مشروعیت الهی رهبری بود، به نقش مردم در تحقق فعالیت نظام و در حدوث و بقای نظام باور داشت و تلاش کرداین دو حقیقت را در قانون اساسی تعبیه کند. شهید بهشتی معتقد بود حق حاکمیت را خداست اما قدرت حاکمیت (بر محور رهبری مشروع الهی) با مردم است.دکتر رئیسی هم ضمن باور به همین حقیقت در طول بیش از سه دهه خدمت خود، مردمی‌بودن و در خدمت مردم‌بودن را در عمل به اثبات رساند. حضور گسترده مردم در تشییع پیکر مطهر دو شهید و لشک‌های مردم در بدرقه آنان، بیان‌کننده میزان مردمی‌بودن آنهاست.

شهیدامیر عبدالمهدی

شهیدامیر عبداللّه‌ایان

شهیدامیر عبدالمهدی

شهیدامیر عبداللّه‌ایان

شهیدامیر عبدالمهدی

شهیدامیر عبداللّه‌ایان

شهیدامیر عبدالمهدی

شهیدامیر عبداللّه‌ایان

شهیدامیر عبدالمهدی

باور به ولایت فقیه و نقش‌زیرنمایی آن در عصر پیشین و تعهد و پایبندی به این اصل مترقی‌از دیگر وجوه مشترک شهید بهشتی و شهید رئیسی است. حمایت از نظریه ولایت فقیه در مجلس خبرگان قانون اساسی و تبیین این موهبت الهی در مراحل بعدی و وفاداری به این اصل در عمل در مورد دکتر بهشتی برجسته‌بود. در دیداری که با تعدادی از دوستان روحانی در سفر آقای دکتر بهشتی به قم با ایشان داشتم، ایشان در پاسخ به سؤال احضران در مورد وقت حمایت حضرت امام از بنی‌صدر با توجه به رفتار و اندیشه‌های ایشان گفت: «من به‌خوبی می‌توانم با شما سخن بگویم. در وقت آنکه حضرت امام با بنی‌صدر از نوچه به راه افتاد، هنوز شکرکانه او پاسخ دادند: درک شرایط مشکل است، بعد اشاره فرمودند: همین موضوع راز حضرت امام بر رسیدیم که در این شرایط چه باید کرد؟امام فرمود: یک طرف باید کوتاه‌بیاید.ایشان افزودند: به‌امام گفتم ما پیرو شما هستیم،بفرماید شهیدرئیسیمی‌همانند بهشتی، هم به مبانی و اصول دینی و پیوستگی بین دین و سیاست باور داشت و هم با همه وجود در صدد پیاده‌کردن اسلام در جامعه بود. دفاع رئیسی از پدیده حجاب و پرداخت هزینه در این زمینه در برابر برخی مسئولان قبلی که به جهت نیاز به رای مردم حاضر به پرداخت هزینه نبوده‌ند، بیان‌کننده عمق

# پایسته

سرورین سیاسی،۹۰۶۰۲۲۸۶۰۰



توجه ایشان به لزوم تحقق ارزش‌های دینی در جامعه است. مطمئناً رئیس‌جمهوری که معتقد است اسلام جامعیت دارد و تأمین‌کننده آزادی‌ها و حقوق انسانی در چارچوب مبانی و اصول دینی است، با رئیس‌دولتی که می‌گوید آزادی بردین مقدم‌است یا آن دیگری می‌گوید حقوق انسانی بر دین مقدم‌است، بسیار متفاوت خواهد بود.

## عدالت‌محوری

عدالت در دو معنی و مفهوم آمده است: یکی به معنی قبال دادن هر چیزی در جای خودش (وضع‌الشی‌فی موضع)که به معنای موازن‌بودن

است که هم در تکوین و هم در تشرع کاربرد دارد. معنای دوم، یعنی تساوی مردم در برابر قانون در چارچوب مقررات دینی است که این معنا هم در دستگاه قضا کاربرد دارد، یعنی عدالت قضایی و برقراری عدالت از سوی قوه قضائیه در بخش حقوقی و کیفری و هم در دولت کاربرد وسیعی دارد که قوه مجریه باید عدالت‌محوری را در ایجاد گوناگون توزیع عادلانه خدمات، بودجه و مشاغل تحقق بخشد.

در این خصوصیات، شهید بهشتی هم در قانون اساسی اینفای‌نقش کرد و هم در معماری دستگاه

قضا در فرصت محدودی که داشت، تأثیر زیادی داشت، اما شهید رئیسی در دورانی که در هر قوه قضائیه بود، الگویی از عدالت‌محوری که مهم‌ترین آن بخورد با مهره درشت‌ها بود، به منصفه ظهور رساند و در هر مورد که مستلزم استیفاي حقوق مردم بود، ایفای نقش کرد. او باورود به قوه مجریه بااعتقادبه اصل عدالت‌محوری، تلاشی وسیعی کرد تا در توزیع امکانات و خدمات به ویژه در مناطق محروم، افزایش یارانه‌ها، فعال‌سازی کارخانه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل، اصلاح سیستم رتبندی در آموزش وپرورش و دهها اقدام دیگر، بتواند عدالت‌محوری و عدالت اجتماعی را تحقق بخشد.

## تعبدبه شریعت

دکتر شهید بهشتی نسبت به مبانی و اصول اسلام نظریه پرداز و با همه وجود در صدد حاکمیت نظام دینی و تحقق شریعت در جامعه بود. بهشتی هم معتقد به شریعت و هم در عمل پایبند به آن بود و توجه به اقامه نماز در اول وقت از شاخص‌های رفتاری ایشان بود که در هر شرایطی قرار داشت و باقرارسیدن وقت نماز، اولویت را به نماز می‌داد. دکتر بهشتی معتقد به جامعیت محتوایی، زمانی و مکانی اسلام و پیوستگی بین دین و سیاست و لزوم پیاده‌شدن اسلام و احکام شریعت در قالب نظام اسلامی بود. یکی از مهم‌ترین عوامل تقابل ایشان با بنی‌صدر همین مسئله پیوستگی بین دین و سیاست و تکیه بر اصولگرایی در دین و نظام دینی در برابر اندیشه التقاطی بین صدر و منافقین و خط و مشی‌ایحی‌گری و تسامح و تساهل آنان نسبت به شریعت به شمار می‌آید. نامه مورخه۱۳۵۹/۱/۲۲۷ایشان خطاب به حضرت امام و برزندیه‌های چندگانه و مقایسه بین باور جبهه خودی به ارزش‌ها در برابر تفکر و رفتار لیبرالیستی جریان بنی‌صدر مبین عمق نگرش ایشان به مبانی دینی، اصولگرایی و حاکمیت ارزش‌هاست. شهیدرئیسیمی‌همانند بهشتی، هم به مبانی و اصول دینی و پیوستگی بین دین و سیاست باور داشت و هم با همه وجود در صدد پیاده‌کردن اسلام در جامعه بود. دفاع رئیسی از پدیده حجاب و پرداخت هزینه در این زمینه در برابر برخی مسئولان قبلی که به جهت نیاز به رای مردم حاضر به پرداخت هزینه نبوده‌ند، بیان‌کننده عمق در عرصه بین‌الملل قرار داد.

شهیدامیر عبدالمهدی

شهیدامیر عبداللّه‌ایان

## ایزدانگاه

محسن سلکی

## لنگر گاه جمهوری اسلامی در بحران‌ها کجاست؟

«اتفاقی نخواهد افتاد»، این پاسخ کارشناس ایران‌اینترنشنال است، زمانی که مجری از او می‌پرسد پس از مرگ رئیس‌جمهور ایران چه

اتفاقی برای نظام جمهوری اسلامی خواهد افتاد؟

این کارشناس اشاره کرد که بعد از فوت بنیانگذار جمهوری اسلامی، متفاوتیافتاد و سیستم قوی‌تر از قبل به حیات خود ادامه داد و در این ماجرا نیز چنین خواهد شد.

کارشناس ایران‌اینترنشنال در ادامه بر این نکته تأکید کرد که جمهوری اسلامی مانند رژیم‌های توتالیتر (همچون نازیسم در آلمان یا فاشیسم در ایتالیا، اسپانیا و پرتغال) نیست که با مرگ اشخاص اتفاقی برای آن بیفتند.

از خطاهای تحلیلی و تقلیلی این کارشناس که بگذریم، در بن آن یک واقعیت نهفته است که مدعیات او بر آن سه نحو ضمنی دلالت و اشارت کرده است، آن نکته، مؤید ساختاری‌شدن و پیچیدگی خاص نظام ما به عبارت آخری، شخصی‌نبودن قدرت در آن است، هر چند این شخصی‌نبودن و در عوض نهادی‌بودن از نوع شخصی‌زدایی و انسان‌زدایی در الگوهای تنظیم‌مدار و فن‌سالار نیست؛ الگو‌هایی که جامعه را بدل به ماشین کرده و اراده انسانی و آزادی را به محاق و تنگنما می‌برند.

الگوی جمهوری اسلامی در بطن خود(انقلاب اسلامی) ابتدا به نهاد و ساختار و سپس به فرد اهمیت می‌دهد، همچنان که تقدم رتبی را به جمع می‌دهد نه به فرد، اما با جمع‌گرایی خاص خود، نوع خاصی از فردگرایی را موجب می‌شود، این فرایند جز از رهگذر بودن و جمع و بودن باجمع، شدنی نیست. این فردگرایی در عین کانونی‌کردن اراده فردی، اما از نفرد و آنزوا و تنهایی فرد یا بی‌توجهی او به جمع معانت می‌کند.

روی این ملاحظات، در الگوی جمهوری اسلامی، ابتدا «چگونه حکومت‌کردن» مهم است و سپس «چه کسی حکومت می‌کند.» قابل‌اشاره است حتی در الگوی حکومت پروتلاریا، چه کسی حکومت می‌کند (کارگران) بر چگونه حکومت‌کردن اولویت دارد. در جمهوری اسلامی هم مردم حکومت می‌کنند اما فرایند این حکومت‌کردن، منوط به حقیقت و اسلام است. در دمورکراسی‌های لیبرال نیز حکومت مردم(چه کسانی) منوط به اصول لیبرالیسم است. از این حیث، جمهوری اسلامی و نظامات غربی به سمت نهادی‌نگی رفته‌اند. همچنانکه ساموئل هانتینگتون در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» می‌گوید، اینکه با تغییر با مرگ افراد یک سازمان و سامان بتوانند ادامه حیات و دهد و دچار اختلال جدی نشود، یکی از ملاک‌های نهادی‌نگی است.

او چندمحصولی‌بودن و پیچیدگی را از زیر عوامل نهادی‌نگی می‌داند؛ دو عاملی که به وضوح در ایران قابل مشاهده است. از سویی نظام، پیچیدگی سیستمی کم‌ظفری دارد و از سویی دیگر، افراد به راحتی جایگزین می‌شوند و نظام هرگز خود را در افراد و فلان محصول سیاسی، اقتصادی و فکری محدود نگرفته است. حضرت امام(ره) مظهر مبارزه با استکبار در تاریخ معاصر بود و بعد از ایشان از جمله چهره‌های ضداستکبار، شهید بهشتی بود که از عمق جان با معاصر بود و بعد از ایشان از جمله چهره‌های تبیین جنایات نظام استکباری با صلابت و اقتدار مقابل امریکایستادگی داشت، جمله معروف او که خطاب به امریکا فرمود: «امریکا ما عصبانی باش و از این عصیانیت‌بعیر» که شاهد بر روحیه و راهبرد ضداستکباری ایشان بود.

به نظر می‌رسد بعد از گذشت بیش از چهار دهه از چهره باصلابت بهشتی در برابر امریکا در این دوره دکتر رئیسی به پیروی از مثنی رهبری معظم انقلاب با صلابت هر چه تمام‌تر با همه وجود در برابر امریکا ایستاد. سر دست گرفتن تصویر شهید حاج قاسم سلیمانی در جلسه عمومی سران شورای امنیت در برابر چشمان جهانیان و در دست گرفتن قرآن و به چالش گرفتن مواضع امریکا و دفاع از مظلومان در مجامع بین‌المللی و افسانه جنایات اسرائیل و امریکا بخشی از زوایای راهبرد استکبارستیزی شهید رئیسی به شمار می‌آید.

## استکبارستیزی

از دیگر وجوه مشترک شهیدان دکتر بهشتی و دکتر رئیسی استکبارستیزی و مقابله با ظالمان، هستکباران و ذفعاغ از مظلومان و مستضعفان بود. حضرت امام(ره) مظهر مبارزه با استکبار در تاریخ معاصر بود و بعد از ایشان از جمله چهره‌های ضداستکبار، شهید بهشتی بود که از عمق جان با معاصر بود و بعد از ایشان از جمله چهره‌های تبیین جنایات نظام استکباری با صلابت و اقتدار مقابل امریکایستادگی داشت، جمله معروف او که خطاب به امریکا فرمود: «امریکا ما عصبانی باش و از این عصیانیت‌بعیر» که شاهد بر روحیه و راهبرد ضداستکباری ایشان بود.

به نظر می‌رسد بعد از گذشت بیش از چهار دهه از چهره باصلابت بهشتی در برابر امریکا در این دوره دکتر رئیسی به پیروی از مثنی رهبری معظم انقلاب با صلابت هر چه تمام‌تر با همه وجود در برابر امریکا ایستاد. سر دست گرفتن تصویر شهید حاج قاسم سلیمانی در جلسه عمومی سران شورای امنیت در برابر چشمان جهانیان و در دست گرفتن قرآن و به چالش گرفتن مواضع امریکا و دفاع از مظلومان در مجامع بین‌المللی و افسانه جنایات اسرائیل و امریکا بخشی از زوایای راهبرد استکبارستیزی شهید رئیسی به شمار می‌آید.

## مظلومیت عبرت‌آموز

بیان همه مشترکات بین دو مدیر موفق در کنار دیگر مدیران نوشتار را طولانی می‌کرد اما به نظم رسید، در پایان این نوشتار باید به یک نکته مشترک ک عبرت‌آموز در مورد شهید بزرگوار اشاره شود و آن «مظلومیت» ایشان است که مجدداً در حرکت تاریخ انقلاب تکرار شده است.

در روایتی از امام صادق(ع) آمده است: «لایسع العاقل من جحر مرتین» آدم عاقل از یک سوراخ دو بار گذشته نمی‌شود. کلام معصوم اشاره به فرد دارد، اما به طریق اولی شامل ملت و مردم هم می‌شود، یعنی مردم عاقل از یک سوراخ دو بار گذشته نمی‌شوند.

در عصر شهید بهشتی که سیستم ارتباطی به گسترده‌گی امروز نبود، دشمنان و دستگاه‌های استکباری خارجی، معاندین، منافقین و ستون پنجم دشمن، آنچنان چهره‌های از بهشتی ساختند که نتوانستند تائوست مظلومیت، صداقت و سلامت او را به اثبات برساند و گروه‌گروه انسان‌ها بااستفزاز خود از خدا در خواست طلب حلالیت کردند.

مردم علامه‌امینی(ره) می‌فرماید: معاویه ۶۰هزار منبر برای تبلیغ و تخریب خاندان اهل بیت(ع) به راه انداخته بود که متأسفانه به علت تأثیرپذیری جامعه آن روز از القانات دشمن، توانست مردم را از اهل بیت(ع) جدا کند. امروز اگر بگوییم ۶۰میلیون سایت، سکو و شبکه در جهت مقابله با انقلاب اسلامی و چهره‌های خدوم آن طراحی شده است، گراف نگفته‌ایم اما به نظر می‌رسد یک بار دیگر تجربه تلخ زمان دکتر بهشتی در دوران مدیریت دکتر رئیسی تکرار شد.

مطلب این مجموعه براسد و تعجب‌بیشتتر از مخاطبان این مجموعه است که چرا تحت تأثیر القانات آنان قرار گرفتند.اظهارات برخی از حاضران در تشییع جنازه شهید رئیسی و بیان استفزاز و رابشت سرگذاشت و ایران را در جایگاه مناسب گذشته است که باید برای همه عبرت‌آموز باشد.

<sup>[1]</sup> شهیدامیر عبداللّه‌ایان

<sup>[2]</sup> شهیدامیر عبدالمهدی